

خودکشی نوعروس بعد از دواج در عشق هیجانی!



میان برادر و خواهر من نیز مانند خیلی از جوانان روستا عازم مشهد شدند و در آن جا هم از دواج کردند. از سوی دیگر هنوز مدت زیادی از مرگ مادرم نگذشته بود که پدرم با یکی از دختران روستای محل زندگی من ازدواج کرد. با آن که پدرم خیلی زیاد با آن دختر تفاوت سنی داشت اما «ترلان» دختری بسیار مهربان و باوقار بود و مرا مانند دختری واقعی خودش دوست داشت. این درحالی بود که پدرم در روستا درآمدی نداشت و «ترلان» روزهای سختی را می‌گذراند ولی خودش کار می‌کرد تا خانواده همسرش را سر و سامان بدهد. وقتی دختر «ترلان» به دنیا آمد من هم او را مانند خواهر واقعی تصور می‌کردم و هیچ‌گاه احساس دیگری به او نداشتم با وجود این دلم به حال «ترلان» می‌سوخت چرا که فکر می‌کردم قصه‌ای پر غصه دارد چون به خواهر من و من هم چنین اتفاقی افتاده بود و به سختی روزگار می‌رفت. آن زمان در یکی از روستاهای اطراف شهرستان چابک‌سار زندگی می‌کردیم اما به دلیل بروز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، بیشتر اهالی به شهر مهاجرت می‌کردند و به مشاغل کاذب رو می‌آوردند. در این

میان برادر و خواهر من نیز مانند خیلی از جوانان روستا عازم مشهد شدند و در آن جا هم از دواج کردند. از سوی دیگر هنوز مدت زیادی از مرگ مادرم نگذشته بود که پدرم با یکی از دختران روستای محل زندگی من ازدواج کرد. با آن که پدرم خیلی زیاد با آن دختر تفاوت سنی داشت اما «ترلان» دختری بسیار مهربان و باوقار بود و مرا مانند دختری واقعی خودش دوست داشت. این درحالی بود که پدرم در روستا درآمدی نداشت و «ترلان» روزهای سختی را می‌گذراند ولی خودش کار می‌کرد تا خانواده همسرش را سر و سامان بدهد. وقتی دختر «ترلان» به دنیا آمد من هم او را مانند خواهر واقعی تصور می‌کردم و هیچ‌گاه احساس دیگری به او نداشتم با وجود این دلم به حال «ترلان» می‌سوخت چرا که فکر می‌کردم قصه‌ای پر غصه دارد چون به خواهر من و من هم چنین اتفاقی افتاده بود و به سختی روزگار می‌رفت. آن زمان در یکی از روستاهای اطراف شهرستان چابک‌سار زندگی می‌کردیم اما به دلیل بروز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، بیشتر اهالی به شهر مهاجرت می‌کردند و به مشاغل کاذب رو می‌آوردند. در این

میان برادر و خواهر من نیز مانند خیلی از جوانان روستا عازم مشهد شدند و در آن جا هم از دواج کردند. از سوی دیگر هنوز مدت زیادی از مرگ مادرم نگذشته بود که پدرم با یکی از دختران روستای محل زندگی من ازدواج کرد. با آن که پدرم خیلی زیاد با آن دختر تفاوت سنی داشت اما «ترلان» دختری بسیار مهربان و باوقار بود و مرا مانند دختری واقعی خودش دوست داشت. این درحالی بود که پدرم در روستا درآمدی نداشت و «ترلان» روزهای سختی را می‌گذراند ولی خودش کار می‌کرد تا خانواده همسرش را سر و سامان بدهد. وقتی دختر «ترلان» به دنیا آمد من هم او را مانند خواهر واقعی تصور می‌کردم و هیچ‌گاه احساس دیگری به او نداشتم با وجود این دلم به حال «ترلان» می‌سوخت چرا که فکر می‌کردم قصه‌ای پر غصه دارد چون به خواهر من و من هم چنین اتفاقی افتاده بود و به سختی روزگار می‌رفت. آن زمان در یکی از روستاهای اطراف شهرستان چابک‌سار زندگی می‌کردیم اما به دلیل بروز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، بیشتر اهالی به شهر مهاجرت می‌کردند و به مشاغل کاذب رو می‌آوردند. در این

روایتی دوران نوجوانی را به روایاها و آرزوهای خیالی خودم گره زده بودم و آن‌ها را «عشق» می‌نامیدم به گونه‌ای که برای رسیدن به خواسته‌ام، همه چیز را زیر پا گذاشتم و با وجود همه مخالفت‌های پدرم، به تنهایی پای سفره عقد نشستم اما این رفتارهای جنون‌آمیز به جایی رسید که اکنون از سایه شوهرم نیز نمی‌ترسم... زن ۲۱ ساله‌ای که مدعی بود از ترس «مرگ» با کاپوس‌های وحشتناکی درگیر شده است، درباره سرگذشت عبرت‌آموز خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری معراج مشهد گفت: پدرم به شغل شریف باکایی در شهرداری مشغول است و مادر من نیز به دلیل سکنه مغزی چند سالی گوشه‌ای افتاده بود و به سختی روزگار می‌گذراند و به دلیل همین بیماری در همان سنین جوانی من و دو خواهرم برادرم را تنها گذاشت و از دنیا رفت. آن زمان در یکی از روستاهای اطراف شهرستان چابک‌سار زندگی می‌کردیم اما به دلیل بروز خشکسالی و کمبود آب کشاورزی، بیشتر اهالی به شهر مهاجرت می‌کردند و به مشاغل کاذب رو می‌آوردند. در این

اعتراف مرد شکاک به قتل همسرش در غرب تهران



گروه حوادث - مرد شکاک که همسر خود را در غرب تهران به قتل رسانده بود، به جنایت هولناک اعتراف کرد. چندی قبل، مرد میان‌سالی به اداره چهارم پلیس آگاهی مراجعه کرد و هنگامی که مقابل کارآگاهان قرار گرفت، گفت: چند روزی می‌شود که از همسرم خبری ندارم و تلفن همراهش خاموش است؛ در این مدت نیز با تمامی آشنایان تماس گرفتم اما کسی از او خبری ندارد؛ نگرانم بلایی سرش آمده باشد. پس از ثبت شکایت و تشکیل پرونده، تیمی زنده از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی با دستور قاضی محمد و هابی باز پرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی، تحقیقات میدانی را آغاز کردند و با اقدامات فنی پی بردند، زن گمشده با همسرش اختلاف داشته و مرد می‌استدلال قصد دارد تا با اعلام این فقدان، مسیر پرونده را تغییر دهد.

تیم جنایی پس از دریافت این اطلاعات مهم، با دستور قضایی همسر زن گمشده را بازداشت و وی را هدف تحقیق قرار دادند؛ مظنون پرونده در تحقیقات ابتدایی ابتدا منکر جرم خود اما پس از گذشت چند وقت اوایل تیرماه، به یک جنایت هولناک اعتراف کرد. مرد جنایتکار گفت: از گذشته با همسرم به دلیل مشکلات شخصی اختلافات داشتم و این اواخر نیز به او مشکوک شده بودم که این موضوع باعث شد تا اختلافات ما زیاد شود؛ روز حادثه به خانه رفتم تا بتوانم با صحبت کردن به مشکلات خاتمه دهم. وی ادامه داد: خیلی زود باید یک‌بار مشاجره پیدا کردیم که ناگهان

به قتل رسانده بود، به جنایت هولناک اعتراف کرد. چندی قبل، مرد میان‌سالی به اداره چهارم پلیس آگاهی مراجعه کرد و هنگامی که مقابل کارآگاهان قرار گرفت، گفت: چند روزی می‌شود که از همسرم خبری ندارم و تلفن همراهش خاموش است؛ در این مدت نیز با تمامی آشنایان تماس گرفتم اما کسی از او خبری ندارد؛ نگرانم بلایی سرش آمده باشد. پس از ثبت شکایت و تشکیل پرونده، تیمی زنده از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی با دستور قاضی محمد و هابی باز پرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی، تحقیقات میدانی را آغاز کردند و با اقدامات فنی پی بردند، زن گمشده با همسرش اختلاف داشته و مرد می‌استدلال قصد دارد تا با اعلام این فقدان، مسیر پرونده را تغییر دهد.

تیم جنایی پس از دریافت این اطلاعات مهم، با دستور قضایی همسر زن گمشده را بازداشت و وی را هدف تحقیق قرار دادند؛ مظنون پرونده در تحقیقات ابتدایی ابتدا منکر جرم خود اما پس از گذشت چند وقت اوایل تیرماه، به یک جنایت هولناک اعتراف کرد. مرد جنایتکار گفت: از گذشته با همسرم به دلیل مشکلات شخصی اختلافات داشتم و این اواخر نیز به او مشکوک شده بودم که این موضوع باعث شد تا اختلافات ما زیاد شود؛ روز حادثه به خانه رفتم تا بتوانم با صحبت کردن به مشکلات خاتمه دهم. وی ادامه داد: خیلی زود باید یک‌بار مشاجره پیدا کردیم که ناگهان

عاقبت شوم فروش عکس‌های سیاه ۲ دختر



گروه حوادث - ۳ پسر که دختران ۱۳ و ۱۵ ساله را به دام شیطان انداخته و آزار داده‌اند در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شوند. رسیدگی به این پرونده با شکایت ۲ دختر نوجوان آغاز شد. سارینا ۱۵ ساله و دوستش آیدا ۱۳ ساله که به پلیس آگاهی رفته بودند از ۳ پسر جوان شکایت کردند.

سارینا در تشریح جزئیات شکایتش گفت: من در خانواده فقیری زندگی می‌کنم. پدرم بیکار و معتاد است و من همراه مادر و خواهرهایم به سختی زندگی مان را می‌گذرانیم. مدتی قبل در اینستاگرام با پسر جوانی به نام آرش آشنا شدم. او از من خواست تا عکس‌های خصوصی‌ام را برایش ارسال کنم و در عوض به من پول بدهد. من هم چندین عکس برایش ارسال کردم و وقتی ماجرا را به دوستم آیدا گفتم او هم گفت حاضر است عکس‌هایم را در فضای مجازی ارسال کند و در عوض پول بگیرد. وی ادامه داد: من عکس‌های آیدا را نیز برای آرش و دو نفر از دوستانش ارسال کردم و آنها قول دادند در عوض به ما ۹ میلیون تومان پول بدهند اما به قولشان عمل نکردند.

آنها گفتند: این سه جوان به بهانه تسویه حساب ما را به خانه‌شان کشاندند و در آنجا ما را آزار دادند و ما را برای آنها اشد مجازات می‌خواستیم. سپس سه پسر یک به یک از خود دفاع کردند و اتهام آزار ۲ دختر نوجوان را پذیرفتند. آرش گفت: سارینا وقتی در اینستاگرام با من آشنا شد، عکس‌های خصوصی خود را برای من ارسال کرد. آخرین بار هم آنها همراه هم به خانه ما آمدند اما آنها قصد اخاذی ما را داشتند ولی چون مبلغ ۹ میلیون تومانی را که از ما خواسته بودند به آنها ندادیم به دروغ چنین شکایتی را علیه ما مطرح کردند. بنا به این گزارش؛ با ادعای متهمان، قرار شد تحقیق درباره این پرونده تکمیل شود که با تکمیل تحقیقات، متهمان در دادگاه از خود دفاع می‌کنند.

به دنبال اظهارات دختر نوجوان، مأموران به ردیابی سه پسر جوان پرداختند و آرش و ۲ دوستش را بازداشت کردند اما آنها مدعی شدند دو دختر جوان را نمی‌شناسند. ۳ متهم در ادامه بازجویی‌ها و در مواجهه حضوری پذیرفتند دو دختر را به خانه‌شان دعوت کرده‌اند اما مدعی شدند با میل دختران نوجوان با آنها رابطه برقرار کرده‌اند. در دادگاه نخستین جلسه تحقیق درباره این پرونده در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. در این جلسه سارینا و آیدا برای سه پسر اشد مجازات را خواستند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>خدمات</h3> <p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<h3>مفقودی</h3> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۶۸۶۶/۰۱ به نام احسان رستگار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<h3>خشکشویی</h3> <p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<h3>استخدام</h3> <p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<h3>درب های اتوماتیک</h3> <p>دار کوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<h3>اصل سند خودروی هیوندا</h3> <p>HD65 مدل ۲۰۱۲ رنگ سفید به شماره پلاک ۱۳۲۲۱/۲۳ شماره موتور b476011 شماره شاسی C176609 به نام ابوذر میرزائی مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<h3>مبل شویی</h3> <p>مبل شویی سیار شستشوی مبل صندلی تشک موکت فرش با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت در اسرع وقت ۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳ ۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰</p>	<h3>به تعدادی کارگر ساده</h3> <p>جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیاز مندیم. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<h3>حمل کالا</h3> <p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<h3>نیازمندیهای اقتصاد کیش</h3> <p>۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۳۹۱۰</p>	<h3>استخدام منشی صبح ساکن کیش</h3> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵</p>	<h3>استخدام نیروی خدماتی</h3> <p>یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس حاصل فرمایند.</p>

صنایع چوب | حلاج کیش

کلیه سفارشات | MDF، چوبی | دکوراسیون غرفه و منزل | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰